مروری بر ماهیت پوپولیسم اقتصادی پهلوی دوم

۱۴ شهریور ۱۴۰۰ ساعت ۱۹:۳۲

پوپولیسم اقتصادی به میزان قابل توجهی بر اصول انقلاب سفید تفوق داشته است . بر این اساس می توان پذیرفت که از سالهای ۱۳۴۲ به این سو نشانه های مشخصی از پوپولیسم اقتصادی در حیات اقتصادی پهلوی دوم قابل شناسایی است که دولت از طریق آن می کوشید خود را در هیات یک توزیع کننده و بازتوزیع کننده ظاهر سازد....

عموماً پوپولیسم واجد وجوه سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفته می شود. اما تا آنجاکه به رژیم پهلوی دوم مربوط می شود به نظر می رسد از میان این وجوه سه گانه تنها وجه اقتصادی پوپولیسم در این رژیم ظاهر گشته است . حتی در برخی از وجوه سیاسی و اجتماعی ، پهلوی دوم گرایش های مشخص ضد پوپولیستی داشت . مثلاً از حیث سیاسی شخص شاه فاقد خصلت کاریزمایی بود. به جای ارتباط مستقیم و بی واسطه با توده ها این رژیم بر نهادهای بورکراتیک مدرنی همانند ارتش ، بورکراسی استوار بود. ۱ همین طور رژیم وجوه تکنوکرات قابل توجهی داشت که متضمن وجوه نخبه گرایانه محسوسی برای رژیم بود. همین طور پایگاه اجتماعی نیم بند رژیم نیز حداقل در میان طبقات پایین و متوسط روبه پایین قرار نداشت . برای نمونه مجلس دوره ۲۱ یعنی بین سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۶ میزان حضور طبقات پایین تنها ۶ درصد بوده است۲ این میزان گرچه نسبت به گذشته اندکی رشد را نشان می داد اما قابل توجه نبود. با این وجود مرور تاریخ حیات اقتصادی و سیاسی پهلوی دوم نشان می دهد که از دهه ۱۳۴۰ به این سو این رژیم از حیث اقتصادی به سمت سیاستهایی گرایش یافت که از سیاستهای رژیم های پوپولیستی در نظر گرفته می شود. اگر چنانکه بحث شد اصلی ترین مشخصه پوپولیسم اقتصادی را توسل به اقدامات بازتوزیعی در نظر گیریم ، از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ نشانه های مشخصی وجود دارد که نشان می دهد پهلوی دوم به سمت سیاستهای بازتوزیعی حرکت نموده است . به شکل مشخص در سال ۱۳۴۲ شاه مجموعه برنامه هایی را تحت عنوان انقلاب سفید اعلام کرد که بیشتر اصول آن مبین رویکرد بازتوزیعی دولت پهلوی دوم بود. ۳

انقلاب سفید، اوج سیاستهای پوپولیستی پهلوی دوم

اصل اول انقلاب سفید اصلاحات ارضی یا تقسیم اراضی بود که عموماً یکی از مشخص ترین وجوه سیاست بازتوزیعی دولت ها دیده شده است این اصلاحات که از روستاهای مراغه در آذربایجان شرقی آغاز گردید به تدریج و طی سه مرحله تقریباً در کل کشور به اجراء درآمد. این اصلاحات ، تقسیم اراضی میان کسانی که بر روی زمین ها کار می کردند را در برمی گرفت . در مرحله نخست اصلاحات ارضی ۷۰۹۷۱۸ خانوار یا چیزی در حدود ۳۴ درصد کشاورزان واجد شرایط ، در مرحله دوم ۲۱۳۴۴۳خانوار یا حدود ۱۰ درصد از کشاورزان مشمول قانون و در مرحله سوم ۸۴۳۲۸۳ خانوار یا حدود ۴۰ درصد از کشاورزان

زمین دریافت کردند. اگر

۱۷۲۱۰۳ خانوار یا ۸ درصد از کشاورزان واجد شرایط که از طریق تقسیم اراضی وقفی در قالب اجاره های بلندمدت صاحب زمین شدند را نیز به این جمع اضافه کنیم بیش از ۱ ۹۰۰ ۰۰۰ یا چیزی در حدود ۹۲ تا ۹۳ درصد از کشاورزان واجد شرایط طی سه مرحله اصلاحات ارضی ، صاحب زمین شدند.۴

موضوع کلیدی در تحلیل مقاله این است که در این اصلاحات دولت عملاً در هیات کارگزار این اصلاحات ظاهر شد و به چندین شیوه یعنی به عنوان کارگزار بوروکراتیک ، کارگزار اجبار و تامین کننده منابع مالی در توزیع و تقسیم این اراضی نقش ایفا نمود. چنانکه دولت ابتدا سازمان ویژه اصلاحات ارضی را تشکیل داد. سپس در سال ۱۳۴۵ حتی وزارت اصلاحات ارضی را تاسیس نمود تا یک وزارتخانه دولتی عملاً کارگزار قانونی و بوروکراتیک این طرح دیده شود همین طور رژیم در برخی موراد به زور متوسل شد تا برخی مقاومت های ملاکین را درهم شکند. ۵ نهایتاً دولت عملاً خود را درگیر تامین مالی منابع اصلاحات ارضی نیز نمود. چنانکه دولت برای تامین منابع مالی این اصلاحات اصل سوم انقلاب سفید را تدارک دید. این اصل که بیشتر مکانیزمی برای تامین مالی اصلاحات ارضی بود کارخانه های دولتی را به شرکتهای سهامی تبدیل می نمود تا فروش آنها نوعی پشتوانه مالی اجرای اصلاحات ارضی باشد. بر همین اساس پنجاه و پنج کارخانه که سابقاً به وزارت اقتصاد وابسته بودند و سرمایه های آنها به ۷.۷ میلیارد ریال می رسید به شرکتهایی با سهام بی نام تبدیل شدند. این شرکتها به ۱۵۴۰۰۰ سهم هر یک به بهای ۵۰۰۰۰ ریال تقسیم شدند تا به وسیله بانک اعتبارات کشاورزی به مالکان بزرگی واگذار گردند که اراضی آنها میان کشاورزان تقسیم شده بود. هرچند روستائیان نیز نهایتاً باید بهای زمین های دریافتی را طی ۱۵ سال با سود ۴ درصد به دولت پرداخت می کردند.۶

گستره سیاستهای بازتوزیعی رژیم به روستاها محدود نماند و در قالب دیگر اصول انقلاب سفید به شهرها نیز کشانده شد. مثلاً اصل چهارم انقلاب سفید که سهیم سازی کارگران در سود کارخانه ها را در دستور داشت نشان داد که دولت تلاش دارد حوزه اقدامات بازتوزیعی خود را به شهر ها نیز گسترش دهد. بر اساس اصل مزبور،کارگران در بخشی از سود کارخانجات سهیم می شدند. طرح مزبور تنها شامل آن دسته از کارگرانی می شد که در موسساتی کار می کردند که ده نفر یا بیشتر کارگر داشت . کارگران شاغل در صنعت نفت ، راه آهن و دخانیات از این قاعده مستثنی بودند. همین طور تنها ۲۰ درصد از سود کارخانه ها به کارگران پرداخت می شد و معیار تقسیم آن هم سابقه کار و میزان دستمزد بود(هالیدی ، ۱۳۵۸: ۱۸۳). بر اساس یک بررسی تا سال ۱۳۵۱ یعنی نه سال پس از اجرای طرح ، تنها ۱۷۵ هزار کارگر در ۳،۱۳۵ کارخانه مشمول این طرح شدند. گرچه تا سال ۱۳۵۵ تعداد آنها به ۰۰۰،۲۹۵ کارگر رسید، اما این میزان فقط ۱۵ درصد از کارگران صنایع را در برمی گرفت.۷ با این حال رژیم کوشید تا گستره محدود اقدامات بازتوزیعی دولت در مناطق شهری را بعدها در قالب اصل ۱۳ انقلاب سفید افزایش دهد. بر همین اساس اصل سیزده انقلاب سفید تدارک دیده شد که بر اساس آن این بار سهام کارخانه های بزرگ به کارگران فروخته می شد. بر اساس این اصل باید ۴۹ درصد از سهام ۳۲۰ شرکت تولیدی خصوصی و ۹۹ درصد از سهام شرکتهای دولتی به کارگران واگذار می شدند. هدف از این سیاست مقابله با انباشت سرمایه اعلام شد و در نظر داشت این سرمایه انباشت شده صنعتی را به نوعی در میان نیروی کار صنعتی بازتوزیع نماید. در حالی که سهیم سازی کارگران در سود کارخانه ها اقدامی بازتوزیعی برای افزایش درآمد کارگران بود، سهیم سازی کارگران در سهام کارخانه ها اقدامی بازتوزیعی برای افزایش پس انداز آنها محسوب می شد که هر دو از سوی دولت تدارک دیده شده بودند.

اگـر آنگونکه آلموند و لاپالمبارو استدلال می کنند کارکردهای بازتوزیعی را دخالت دولت در بازتوزیع کالا، خدمات و فرصتها در نظر گیریم بسیاری از دیگـر اصـول انـقلاب سفید نیز به نوعی وجوه بازتوزیعی مشخصی داشتند و دولت عملاً در هـیات کـارگزار آنها عمل می کرد. چنانکه اصل ششم بر ایجاد سپاه دانش و اصل هفتم بر ایجاد سـپاه بـهداشت تـاکید داشت . همین طور اصل هشت ایجاد سپاه ترویج و آبادانی در شهرها و روستاها بـود کـه دولت را درگـیر فرایند نوسازی مناطق شهری و روستایی می نمود.۸ همین طور اصل پانزده آموزش و پرورش رایگان و اجـباری و اصـل شـانزده تغذیه رایگان برای مادران نیازمند و نوزادان تا سن دو سالگی ، اصل هفده شمول تامین اجـتماعی و مـستمری دوران پیری برای همه ایرانیان را در بر می گرفت که همانند اصول ششم و هفتم وجوه اجـتماعی و رفـاهی داشـت . بدین سان به شکل مشخص حداقل ۱۰ اصل از اصول انقلاب سفید به دلیل دخالت دولت در بازتوزیع کـالا، خـدمات و فرصتها به صورت مستقیم وجوه بازتوزیعی داشتند. تفوق وجوه بازتوزیعی این سیاستها به شـکل مـشخص در این شـیوه نگرش شاه مشهود بود که این برنامه ها قرار بود نان برای همه ، مسکن برای هـمه ، پوشـاک برای همه ، بهداشت برای همه و آموزش و پرورش برای همه را محقق سازد. اگـر آنـگونکه ادعـا می شد انقلاب سفید شکل تکامل یافته این پنج اصل در نظر گرفته شود؛۹ اسـاساً انـقلاب سـفید را باید انقلابی با محتوای بازتوزیعی گسترده و حداقل از حیث اقتصادی متضمن وجوه مـشخص پوپولیسـتی در نظر گیریم . در این جا اولاً واژه «همه » مبین تفوق نگرش های پوپولیستی یا توده گرایانه رژیم بود. ثانیاً فراهم آوردن نان ، مـسکن ، پوشـاک ، بهداشت و آموزش برای همه به این معنا بود که دولت باید در فرایند توزیع کـالا، خـدمات و فرصتها دخالت می کرد و خود باردیگر آن را تـوزیع مـی نـمود. اگر این دو را با هم درنظر گیریم مشخص مـی شـود که پوپولیسم اقتصادی به میزان قابل توجهی بر اصول انقلاب سفید تفوق داشـته اسـت . بر این اساس می توان پذیرفـت کـه از سالهای ۱۳۴۲ بـه این سـو نـشانه های مشخصی از پوپولیسم اقتصادی در حیات اقـتصادی پهـلوی دوم قابل شناسایی است که دولت از طریق آن می کوشید خود را در هیات یک توزیع کـننده و بـازتوزیع کننده ظاهر سازد.

پی نوشتها:

۱. آبراهامیان ، یرواند(۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه فیروزمند و دیگران، تهران: نشر مرکز، ص ۲۲۲

۲. آبـراهامیان ، یرواند(۱۳۹۱)، تاریخ ایران مدرن ، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی ، تهران : نشر نی ، ص ۲۳۰

۳. ایوانف ، م. س(۱۳۵۶)، تاریخ نوین ایران ،ترجمه تیزابی و دیگران ، بی نا، بی جا، ص ۴۵

۴. هالیدی ، فرد (۱۳۵۸)، ایران : دیکتاتوری و توسعه ، ترجمه یلقـانی ، مـحسن و علی طلوع ، تهران : نشر عـلم ، ص ۱۲۳

۵. همان، ص ۱۲۵

۶. ایوانف، پیشین، ص ۸۷

۷. هالیدی ، پیشین، ص ۱۸۷

۸. لاپالالومبارا، جوزف (۱۳۸۰)، نفوذ: بحران ظـرفیت حـکومت ، در بحران های و توالی ها در توسعه سیاسی ، تدوبن لوسین پای

و دیگران ، ترجمه خواجه سـروی ، تـهران : انتشارات مطالعات راهبردی، ص ۶۷

۹. پهلوی ، محمد رضا (۱۳۷۱)، پاسخ به تـاریخ ، تـرجمه حسین ابوترابیان ، تهران : نشر مترجم ، ص ۱۶۷

آدرس مطلب :
https://www.cafetarikh.com/news/۴۸۵۰۹/مروری-ماهیت-پوپولیسم-اقتصادی-پهلوی-دوم